

## مأموریت سرّی جاسوسان اعزامی اسرائیل به آمریکا، و بمباران ایران

دوگ آیرلند

برگردان: محمد علی اصفهانی

آنچه فارسی شده اش را می خوانید، خلاصه ی قسمتی است مربوط به طرح بمباران ایران به وسیله ی اسرائیل، از مقاله ی مفصلی که «دوگ آیرلند» در ۱۹ دسامبر در ارتباط با انتخابات سال آینده ی ریاست جمهوری آمریکا نوشته است. او در این مقاله به طور خاص به تأثیر گزارش اخیر «شورای اطلاعات ملی آمریکا» بر این انتخابات پرداخته است.

دوگ آیرلند Doug Ireland از روزنامه نگاران سیاسی سرشناس و پر سابقه ی آمریکایی متعلق به «چپ جدید» (گرایشی که در دهه ی ۶۰ و نیز تاحدودی در دهه ی ۷۰ در اروپا و آمریکا شکل گرفت) و از مبارزان علیه جنگ ویتنام و همچنین علیه تجاوز نظامی آمریکا در زمان بوش پدر و در زمان بوش پسر به عراق است.

او به مدت ده سال هم در فرانسه کار کرده است؛ و علاوه بر مطبوعات آمریکایی، با روزنامه های معتبر فرانسوی همچون لیبراسیون نیز همکاری داشته است.

آیرلند در مقاله ی خود توضیح می دهد که کاندیدا های حزب جمهوریخواه برای آن که بتوانند شانس پیروزی بر رقیبان حزبی خود در مرحله ی نهایی معرفی کاندیدای این حزب برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده ی آمریکا را بیابند، با یکدیگر بر سر دشمنی با ایران رقابت می کردند و هرکدامشان می خواستند

خود را قهرمان این کار نشان دهند؛ اما گزارش «شورای ملی اطلاعات»، هم آن‌ها را در این زمینه به عقب نشینی واداشت، و هم احتمال شکست حزب جمهوریخواه در برابر حزب دموکرات را بیشتر کرد.

دوگ آیرلند، به مورد «رودی جولیان» Rudy Giuliani شهردار سابق نیویورک اشاره می‌کند که برای احراز مقام کاندیداتوری نهایی حزب جمهوریخواه، در رأس آمارگیری‌ها قرار دارد. و این که او تا پیش از انتشار گزارش «شورای اطلاعات ملی» خود را سرسخت‌ترین طرفدار برخورد خشن و جنگی با ایران نشان می‌داد، و با تکرار دائمی این که ایران در حال ساختن بمب اتمی است، در واقع زمینه‌ی بمباران ایران را فراهم می‌آورد. اما نکته‌ی مهم در مقاله‌ی آیرلند افشای مأموریت سری جاسوسان اعزامی اسرائیل به آمریکا است؛ در صورت امکان، خنثی کردن نتایج گزارش «شورای اطلاعات ملی» آمریکا، و در غیر این صورت، زمینه‌سازی بمباران ایران به وسیله‌ی اسرائیل...

خطر جنگ را تمام شده تلقی نکنیم و به خوابی فرو نرویم که صدای بمب‌های فرود آمده بر میهنمان ما را از آن خواهد پرانید. تا وقتی که دو رقیب پیاده و سواره‌ی یکی برای حفظ قدرت و سرکوب هر چه بیشتر مردم، و دیگری به آرزوی گرفتن جای او و ادامه‌ی راه و روش او، سرنوشت مردم ما را گروگان آمریکا و اسرائیل کرده‌اند، آنگونه که شایسته و بایسته است از صحنه به بیرون پرتاب نشوند، دستکم خطر حمله‌ی هوایی به ایران و نابودی تمام تأسیسات حیاتی کشور ما و مرگ و بیماری نسل‌ها و نسل‌ها و نسل‌های آینده‌ی ما بر اثر تشعشعات اتمی همچنان پابرجاست.

این که به خدمت گرفته شدگان اسرائیل و پنتاگون، با تمام توان می کوشند تا با یک دست از طریق «افشاگری» های چلبی وار و ایاد علاوی وار زمینه ی تجاوز به ایران را فراهم آورند، و با دست دیگر، حلقوم مخالفان این تجاوز را به هر طریق که می توانند بفشارند، چیز غیر طبیعی یی نیست. اما آنچه غیر طبیعی است، نامحتمل دانستن خطر جدآ محتمل بمباران ایران به وسیله ی اسرائیل و در پی آن ورود آمریکا به صحنه برای دفاع از «کشور دوست و متحد» خود است؛ و یا به بهانه ی این خطر، کوتاه آمدن در زمینه ی مبارزه با دشمن داخلی، و حتی زمزمه ی مبهم یا غیر مبهم آشتی موقت با او. یعنی دقیقآ همان چیزی که او می خواهد.

سرنوشت ما را مبارزه ی متحد و هماهنگمان به دور از تنگ نظری ها و تنگ اندیشی های سیاسی و عقیدتی، با دو دشمن داخلی و خارجی تعیین خواهد کرد. فقط کسانی که با نگاه مکانیکی به ارگانی زنده به نام مبارزه، و به مفاهیمی عینی (و نه ذهنی) از قبیل تضاد اصلی و تضاد فرعی و این گونه مقولات نگاه می کنند هستند که قدرت درک واحد بودن تضاد کنونی در شرایط مشخص کنونی با دو دشمن خارجی و داخلی را ندارند...

محمد علی اصفهانی

اول دی ماه ۱۳۸۶

در پی انتشار گزارش «شورای اطلاعات ملی» آمریکا، این آی ئی، «ضرورت بمباران ایران»، از سخنرانی های انتخاباتی کاندیدا های ریاست جمهوری آمریکا حذف شده است.

حتی «رودی جولیان» هم حالا دیگر پشتک و وارو زده است و درست بر عکس گذشته، این بار در برنامه ی «دیدار با مطبوعات» شبکه ی ان بی سی آمریکا علناً اظهار می دارد: «البته که ما نمی خواهیم از گزینه ی نظامی استفاده کنیم. چنان گزینه یی خطرناک و ماجراجویانه خواهد بود.»

با این همه اما خطر بمباران ایران خطری است جدی و واقعی. نه به وسیله ی آمریکا. بلکه به وسیله ی اسرائیل. در این ساعتی که من دارم این خطوط را می نویسم، یک اکیپ از مأموران اطلاعاتی اسرائیل در واشنگتن به سر می برند تا آمریکاییان را به این که گزارش شورای ملی امنیت آمریکا سراپا غلط و مملو از اشتباه است قانع کنند.

مطابق گزارش «نیویورک تایمز»، دستگاه جاسوسی اسرائیل سعی می کند که این ادعا را به کرسی بنشانند که ایران برنامه ی تولید سلاح اتمی خود را دوباره در سال ۲۰۰۵ به راه انداخته است.

و این در حالی است که حتی روزنامه ی اسرائیلی «ژروالدم پست» که بر طبق طبیعت خود، سیاستش در مورد ایران سیاستی جنگ طلبانه است، در شماره ی ۱۸ دسامبر، در مقاله یی، از قول یک عضو کابینه ی اسرائیل که نخواسته است نامش فاش شود تصریح کرده است که اسرائیل هیچ اطلاعات معتبر و مستندی برای آن که بتواند با آن، محتوای گزارش «شورای امنیت ملی» را به زیر سؤال ببرد در دست ندارد.

رابرت گیتس، وزیر دفاع بوش، هنوز هم ول کن معامله نیست: روزنامه ی انگلیسی گاردین در شماره ی دهم دسامبر خود نوشته است که او در بحرین، طی کنفرانسی در باره ی امنیت، گفته است که ایران ممکن است که دوباره در نهان، برنامه ی

ساختن بمب اتمی را از سر گرفته باشد.

دولت اسرائیل، طرح بسیار سنجیده و دقیق و جزء به جزء تنظیم شده یی برای بمباران مراکز اتمی ایران تهیه کرده است؛ و حتی این طرح در سال ۲۰۰۶ در کابینه ی اسرائیل به صورت مکتوب مورد تأیید قرار گرفته است.

در طرح اسرائیل برای بمباران ایران، استفاده از بمب های اتمی «تاکتیکی» هم پیش بینی شده است؛ روزنامه ی تایمز لندن در ژانویه ی امسال افشا کرده بود که دو گردان هوایی تهاجمی اسرائیل مشغول انجام تمرین های لازم در همین مورد، به خصوص برای حمله به مرکز اتمی نطنز در دویست مایلی جنوب تهران هستند.

اسرائیل مطابق گزارش تایمز لندن، ادعا می کند که از این «بمب های کوچک اتمی» در صورتی استفاده خواهد کرد که یا سلاح های غیر اتمی کار آیی لازم را نداشته باشند، و یا آمریکا به هنگام حمله ی اسرائیل به ایران، به نفع اسرائیل وارد عملیات نشود.

گزارش «شورای اطلاعات ملی» آمریکا، به لحاظ سیاسی، حمله ی آمریکا به ایران را غیر ممکن کرده است. چرا که چنین حمله یی را نمی توان نه به خورد کنگره ی آمریکا داد و نه به خورد افکار عمومی آمریکا. و درست از همین روست که طرح اسرائیل می تواند از مرحله ی تئوری و نیز تمرین نظامی فراتر رود و به مرحله ی عمل و تهاجم به ایران بیانجامد.

بمباران ایران به وسیله ی اسرائیل را نئوکان های سخت سر آمریکا، همیشه به عنوان «نقشه ی ب» در نظر داشته اند تا در

صورتی که نتوانند فرماندهان عالیرتبه را برای حمله به ایران آماده کنند آن را به مرحله ی اجرا درآورند.

### افتضاح جاسوسی اسرائیل در آمریکا

در همین ارتباط باید به لو رفتن ماجرای معروف جاسوسی ایپاک AIPAC در آمریکا برای اسرائیل در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد. ایپاک، یک لابی اسرائیلی بسیار پر نفوذ در آمریکاست با بودجه ی هنگفت، و با بیش از صد هزار عضو. نیویورک تایمز، این تشکیلات را چنین توصیف می کند: «سازمانی که در روابط آمریکا و اسرائیل، بیشترین نفوذ را داراست.»

ماجرا از این قرار بود:

لاری فرینکلن Larry Franklin نئوکان و از مقامات بالای پنتاگون، به جاسوسی برای اسرائیل متهم و بعد از اثبات اتهامش در دادگاه به ۱۲ سال زندان محکوم شد.

او اسناد طبقه بندی شده با عنوان «فوق محرمانه» را به سفیر اسرائیل در آمریکا تحویل داده بود.

در همان ماجرا دو تن از مسئولان ایپاک هم گرفتار شدند. آن ها نقش واسطه میان سفیر اسرائیل با یک گروه از نئوکان ها ی پنتاگون را داشتند.

علاوه بر آن ها، بسیاری از اعضای دیگر ایپاک هم در ماجرا درگیر بودند. مثلاً برای کمک به طرح جاسوسی، داگلاس فیث Douglas Feith (نئوکان) معاون وزیر خارجه، توانسته بود که برای هموار کردن کار جاسوسی اسرائیل، به یک مرکز اطلاعاتی بسیار محرمانه ی آمریکا موسوم به «اداره ی امور ویژه»، به وسیله ی هرولد رد Harold Rhode (نئوکان) راه یابد.

بیهوده نیست که گفته می شد که میان سیا و نئوکان های تحت مسئولیت رامسفلد اختلافات شدید و خشونت آمیزی وجود دارد. اختلافاتی که در زمان رابرت گیتس هم ادامه یافته است. بیشترین قسمت اسنادی که جاسوسان ایپاک به سفیر اسرائیل دادند در باره ی ایران بود.

در واقع، نئوکان ها و شرکایشان قصدشان این بود:

اسرائیل، تحقق برنامه ی «نقشه ی ب» آن ها را عملی سازد!

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)